



شماره هفدهم
پاییز ۱۳۹۰
صفحات ۱۴۱-۱۲۱

عناصر و مضامین ترسایی در شعر شاملو

دکتر منوچهر جوکار *

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

عارف رزبجی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

از میان عناصر تلمیحی شعر فارسی، مضامین آیین مسیحیت به انگیزه‌های گوناگون همواره مورد توجه شاعران بوده‌است. در شعر معاصر فارسی نیز کاربرد این عناصر و مضامین چشمگیر است و از جمله احمد شاملو با کاربردی دیگرگون بیش از دیگران از آنها استفاده کرده‌است. این شاعر به سبب مطالعه عمیق و پیگیر متون گذشته (به‌ویژه متون نثر دینی، تاریخی و اسطوره‌ای)، مطالعه آثار ادبی جهان مسیحیت، نگاه متکثر فرا ایرانی - فرا اسلامی و نیز آشنایی و ازدواج با خانم آیدا سرکیسیان، انس و آشنایی عمیقی با آموزه‌ها و مسائل مسیحیت پیدا کرد و در ۲۵ شعر مهم و شاخص خود به طرح این موضوعات پرداخت. استفاده‌های شاملو از این موضوعات، عمدتاً مطابق متون و منابع مسیحی است. او کوشیده‌است از تلمیحات و مضامین تاریخی و دینی مسیحیت به گونه‌ای روزآمد و نمادین استفاده کند. از سوی دیگر، توجه به این عناصر و موضوعات در ساخت واژگان و بافت جملات و گسترش ظرفیت فرهنگی، تاریخی، اسطوره‌ای و اجتماعی شعر او تأثیر بسیار داشته‌است.

واژگان کلیدی: احمد شاملو، تلمیحات، عناصر ترسایی، شعر معاصر فارسی

۱- مقدمه

در ادبیات کلاسیک فارسی، به‌ویژه شعر، پرداختن به مسیح (ع) و مسائل مربوط به آیین مسیحیت، به‌طور عمده متأثر از قرآن، روایات و تفاسیر، طرف توجه بسیاری از شاعران - از ناصر خسرو و سنایی تا خاقانی، نظامی، سعدی و حافظ - بوده‌است؛ به همین سبب بعضی محققان، این اشاره‌ها و تأثیرپذیری‌ها را جزء تلمیحات اسلامی محسوب کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۶۶: ۲۵). گفتنی است که شاعرانی چون خاقانی در نقل عناصر ترسایی به اناجیل و روایات شرقی مسیحیت هم نظر داشته‌اند^(۱) و چنین به نظر می‌رسد که نقش این شاعر و دو سه شاعر آذربایجانی دیگر، چون نظامی و فلکی و مجیر بیلقانی، به دلایل و انگیزه‌های گوناگون و از جمله همجواری با سرزمین‌های مسیحی‌نشین، در رواج تلمیحات مسیحی غیرقابل انکار است.

رسوخ موضوعات مربوط به مسیحیت، از حیث محتوا و مضمون و واژگان پیامدهای بسیاری در آثار شاعران داشت؛ به‌عنوان نمونه واژه «ترسا» به معنی پیرو دین مسیح، در ادبیات فارسی با توجه به ظرفیت نمادین و امکان تأویل آن در یک سرزمین اسلامی چندگونه معنی یافت: این واژه گاه صفت کسی است که چهره زاهد متنسک دارد؛ گاه کسی است که مظهر شرک و انکار نسبت به توحید اسلام است؛ و گاه رمزی از عشق، زیبایی، مستی و خوش‌باشی است و وجودش با باده و بی‌قیدی به حدود شریعت همراه است. در نزد صوفیه نیز ترسا گاه رمز تجرد است (آریان، ۱۳۶۹: ۹۶).

در شعر برخی از شاعران مهم معاصر نیز، عناصر ترسایی، با وجود تفاوت در شیوه کاربرد، حضوری پررنگ دارد. بیشتر این شاعران به صورت تلمیح به این عناصر توجه کرده‌اند، اما در کار برخی از آنها، این اشاره‌ها رنگی اجتماعی و روزآمد به خود گرفته و شاعر نگاهی نمادین و گاه اسطوره‌ای به شخصیت مسیح و مسائل مربوط به او داشته‌است. نمونه چنین کاربردهایی را در شعر احمد شاملو و معدودی از شعرهای اخوان ثالث، شفیعی کدکنی و فریدون مشیری می‌توان دید.^(۲) اخوان ثالث در استفاده از انواع تلمیح در شعر معاصر مقام اول را دارد، اما کاربردهای عناصر ترسایی در شعر او غالباً شبیه شعر کلاسیک فارسی است، درحالی‌که شاملو نگاهی تازه و فراتر از تلمیح صرف دارد. استفاده‌های اخوان ثالث از مضامین ترسایی، بیشتر مطابق متون و روایات اسلامی

است، حال آن که کاربردهای شاملو عموماً با منابع و متون غیراسلامی مطابقت دارد. از سوی دیگر، از آنجاکه تلمیح یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و از مصالح مهم شعر شاملو شمرده می‌شود، تنوع بسیاری در شعر او دارد (نک. محمدی، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۶) و در خصوص تلمیحات ترسایی نیز این گوناگونی و گستردگی آشکارا به چشم می‌آید.

مطالعه عمیق و پیگیری متون گذشته، به‌ویژه متون نثر دینی، تاریخی و اسطوره‌ای (از جمله کتاب‌های تفسیر قرآن و کتاب مقلّس) بر شعر شاملو، هم به لحاظ زبان و شیوه بیان تأثیر بسیار نهاده‌است و هم از نظر محتوا و مضمون‌های شعری. به عبارت روشن‌تر، کاربرد عناصر و مضامین ترسایی در شعر شاملو به پویایی و بالندگی صور خیال در شعر او کمک بسیار کرده و ظرفیت نمایشی برخی شعرهای مهم او را ارتقا بخشیده‌است. به عنوان مثال شاملو در شعرهای مرگ ناصری (۶۱۲)،^(۳) ضیافت (۷۵۵) و مرد مصلوب (۹۸۱)، با استفاده از زمینه تاریخی و دینی موضوعات ترسایی، تصاویری بدیع و ماندگار آفریده‌است. همچنین استفاده از عناصر و مضامین ترسایی موجب تعمیق و گسترش ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی شعر او گردیده و حتی از برخی شخصیت‌ها، رخدادها و مکان‌های مربوط به آیین مسیح (نظیر عیسی، مریم، حواریون، یهودای اسخریوطی، مصلوب شدن، باغ جتسمانی، تپه جلجتا، شام آخر و...) نماد ساخته و گاه به برخی رنگی از اسطوره زده‌است. علاوه بر اینها، شاملو در ساختن برخی واژگان و ترکیبات تلمیحی (سطح لغوی) و نیز در آهنگ کلام و بافت جملات (سطح نحوی) این دسته از شعرهایش، از بعضی متون و موضوعات مربوط به آیین مسیحیت یاری و تأثیر گرفته‌است. دریافت درست این دسته از شعرهای شاملو مستلزم مراجعه به منابع مسیحی و از جمله کتاب مقدس و آگاهی از تلقی‌های پیروان آیین مسیحیت است.

۲- پیشینه پژوهش

در برخی از نوشته‌های مربوط به شعر شاملو، اشاره‌هایی نیز به مضامین و عناصر ترسایی آن شده‌است. پورنامداریان در کتاب سفر در مه، در مبحث «تخیل» به کارکرد اساطیر و افسانه‌ها و داستان پیامبران به‌عنوان عناصر تصویرساز توجه نشان داده و در بحثی کوتاه به سرگذشت مسیح در شعر شاملو اشاره کرده‌است (نک. پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۴۶). او در

مبحث «ایجاز و زبان» نیز به شعر «مرگ ناصری» پرداخته و آن را تمثیلی از واقعیت‌های اجتماعی برشمرده است که می‌تواند در هر کجای دنیا اتفاق بیفتد (همان: ۳۴۰).

محمد حقوقی نیز در کتاب شعر زمان ما ۱؛ احمد شاملو، تنها در توضیح شعر «مرگ ناصری» اشاره‌ای به موضوع دارد و می‌نویسد: «شعر صرفاً توصیف وضع و حالت عیسی است، وقتی که به طرف سرنوشت خویش می‌رود» (حقوقی، ۱۳۸۰: ۳۲۰)؛ وی سپس به بیان گذرای بندهای شعر از منظر اتفاقاتی که برای عیسی افتاده است می‌پردازد. البته او پس از انتشار سفر در مه پورنامداریان، در چاپ‌های اخیر کتاب خود اشاره‌هایی به زمینه اجتماعی و نمادین «مرگ ناصری» کرده است. محمدحسین محمدی (۱۳۷۴) هم در کتاب سودمند فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، بسیاری از اشارات ترسایی شعر معاصر و از جمله شعر شاملو را استخراج کرده است. او ذیل مدخل «عیسی» سوانح مهم زندگی او را نقل کرده و نمونه‌هایی نیز از شعر شاعران معاصر همچون شاملو، اخوان و شفیع‌ی کدکنی آورده است. با این حال، کتاب مزبور بسیاری از واژگان و ترکیبات تلمیحی ترسایی در شعر شاملو را در بر ندارد؛ واژه‌ها و ترکیباتی همچون رشته چرمباف، تماشاییان، انبانچه نرفت، حواریون، شیخ مصلوب، سر خارآذین، مسیح مادر، مرد تلخ و ...

مهدی خادمی کولایی نیز در مقاله‌ای سودمند با عنوان «نمودهای اساطیری انبیا و آیین‌گذاران در شعر شاملو»، ضمن تبیین ارتباط و پیوستگی اسطوره با سرگذشت برخی انبیا و آیین‌ها و پیوند شعر با اسطوره، به بیان و بررسی نمودهایی از حضور شش تن از پیامبران از آدم (ع) تا عیسی (ع) در شعر شاملو پرداخته است که در ادامه مقاله به تناسب بحث از آن استفاده کرده‌ایم. در قیاس با منابع یادشده، مقاله حاضر به‌طور مشخص و گسترده و با زبان آمار، به همه عناصر و مضامین ترسایی در کارنامه شاعری شاملو و نیز، دلایل رویکرد شاملو به این مضامین و عناصر و تأثیر آنها بر اندیشه و صورخیال شعر او پرداخته است.

۳- علل و سرچشمه‌های رویکرد شاملو به مضامین ترسایی

۳-۱- ابعاد شاعرانه و تأویل‌پذیر سرگذشت مسیح

هویت و شخصیت بعضی از پیامبران در هاله‌ای از ابهام، داستان و اسطوره قرار گرفته است. از موجبات این مطلب یکی آن است که «اساطیر جزء نظام اجباری تصویرات

و تصورات مذهبی‌اند که هرگز هوشیارانه آفریده نشده‌اند و قداستشان همچنان انکارناپذیر است» (خادمی کولایی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). بر این بنیاد می‌توان گفت یکی از دلایل علاقه‌مندی شاملو به مسائل مسیحیت نیز، آمیختگی آن با افسانه و داستان و پذیرفتن رنگ اسطوره و در نتیجه یافتن امکان تأویل و تفسیر و تمثیل بیشتر است که به شاعرانگی موضوع برای شاعری همچون شاملو می‌افزاید. گذشته از این، شاید شخصیت خود عیسی (ع) نیز در علاقه‌مندی بیشتر شاملو به این موضوع مؤثر بوده باشد؛ تولد او، زندگی پرماجرایی او و مادرش، داستان پیامبری‌اش، یاران او، تنهایی، مظلومیت و سرانجام مصلوب شدن یا نشدن او، همه در هاله‌ای از شگفتی رازآمیز قرار دارند که برای شاعر متعهد به انسان و اجتماع، مهم و پرجاذبه بوده‌است. «شاملو از میان همه پیامبران، اسطوره مسیح شهید را با تمام ابعاد و جزئیات سرشار از مایه‌های عمیق و انقلابی مطرح می‌کند و برای ایجاد تحرک و خیزش در جامعه منفعل و تن به قضای به‌ظاهر قطعی داده، رستاخیزی بیداری‌آفرین را فریاد می‌کشد. [به‌طور مثال] او در شعر «مرگ ناصری» با ایجازی اعجاز‌گونه، آمیزه ممتازی از اسطوره‌اندیشی، هنر، مردم‌شناسی، آیین‌باوری، رسالت‌مندی، ستم‌ستیزی و عدالت‌جویی را یکجا به نمایش می‌گذارد» (همان: ۱۲۸).

در استفاده از عناصر و مضامین ترسایی، شاملو بیشتر از منابع و متون مسیحی و اسرائیلیات متأثر است تا منابع اسلامی؛ اما گاه به آن نیز پایبند نیست و به میل خویش برخی موضوعات را تأویل می‌کند که در منابع مسیحی نیز سابقه ندارد. به‌عنوان نمونه او در شعر «مرد مصلوب» از مجموعه مدیح بی‌صله (۹۱۸) با عناصر مسیحی چنین کرده‌است. از این‌رو، باید توجه داشت که شاملو به مسیحیت نگاه خاص غیرتاریخی - غیردینی دارد و گاه اساساً به اعتقادات پیروان آن دین نیز توجهی ندارد و برداشت‌های او عموماً شاعرانه است. شاملو خود در جایی سرگذشت مسیح را اسطوره می‌خواند و درباره آن چنین می‌گوید:

اهمیت اسطوره مسیح این است که مسیح (به اعتقاد مسیحیان البته) پسر خدا شمرده می‌شود، یعنی بخشی از الوهیت. این الوهیت می‌آید به زمین؛ پاره‌ای از خدا از آسمان می‌آید به زمین، آن هم در هیأت یک انسان خاکی با انسان و به خاطر انسان تلاش می‌کند... در تحلیل فلسفی اسطوره مسیح به این استنباط بسیار زیبا می‌رسیم که انسان و خدا به خاطر یکدیگر درد می‌کشند، تحمل شکنجه می‌کنند و سرانجام به خاطر یکدیگر فدا می‌شوند (شاملو، ۱۳۸۱: ۳۸۰).

۳-۲- نگاه فراملی و متکثر شاملو

شاملو با شناختی که از آثار ادبی جهان با مطالعه آثار برخی شاعران و نویسندگان غرب به دست آورده‌است، با نگاهی فرا ایرانی به انسان و جهان می‌نگرد و می‌اندیشد؛ انسان و جهانی که ممکن است در هر جای این کره خاکی وجود داشته باشد. جهان شاملو محدودیت جغرافیایی و قومی و دینی ندارد، بنابراین دردها و نگرانی‌های او نیز محدود و منحصر به سرزمین و فرهنگی خاص نیست و اساساً شاملو نگاهی متکثر به انسان و جهان دارد. در گستره نگرش او همه جهان طرف توجه است. حتی می‌توان گفت گاه برای اینکه متهم به وصف «نگاه محدود به انسان و جهان» نشود، بیش از حد انتظار از فرهنگ بومی و سرزمینی خویش به نفع آنچه فرهنگ جهانی‌اش می‌گویند، فاصله می‌گیرد. توجه او به اشخاص و مضامین غیرایرانی (و عمدتاً اروپایی و آمریکایی) و مفاهیم و مسائل غیراسلامی (مشخصاً عناصر ترسایی) تا حدود بسیاری از همین رویکرد او ناشی شده‌است. حتی به نظر می‌رسد که در نظر و باور او، مسیحیت - به دلیل سیطره سیاسی و اقتصادی و نظامی پیروانش بر جهان امروز - دین غالب و جهانی‌تر از دیگر ادیان پنداشته می‌شده و توجه به این دین و اشخاص و مسائل مربوط به آن، مخاطبان بسیاری از نژادها و زبان‌ها و اقوام و فرهنگ‌های گوناگون را در بر می‌گیرد.

۳-۳- آشنایی و ازدواج با آیدا سرکیسیان

بی‌گمان آشنایی و ازدواج شاملو با بانوی ارمنی، آیدا سرکیسیان (سال ۱۳۴۱)، در علاقه او به مسائل دین مسیح تأثیر بسیار داشته‌است. این ادعا را نشانه‌های بسیاری در شعر و زندگی شاملو تأیید می‌کند که اساس آن بر علاقه شاملو به آیدا و نقش شگفت این زن در زندگی و توفیق شاعری اوست:

برچهره زندگانی من / که بر آن / هر شیار / از اندوهی جان‌کاه حکایتی می‌کند / آیدا / لبخند
آمزشی است (۵۱۳).

زنی / که نان و رخت‌اش را / در این قربانگاه بی‌عدالت / برخی محکومی می‌کند که من‌ام (۴۷۷).

شاملو از سر عشق و ارادت به معشوق خویش، از هر امکانی برای نزدیک‌تر شدن به او بهره می‌برد و در این راه، یک کار او - خواسته یا ناخواسته - ورود گسترده به حوزه مسائل و مضامین دین مسیح است. شاملو با استفاده از این مضامین برای بیان نگرانی‌های

اجتماعی خود، میان عشق خانگی و کاملاً شخصی با دنیای جمعی و بیرونی (عشق اجتماعی) پیوند می‌زند و این‌گونه است که آیدا برای او مسیح مادری می‌شود، زیبا و پاک و آرامش‌دهنده که دنیای شاعر را به کلی دگرگون کرده‌است؛ چنان‌که گویی شاعر از دهان او می‌گوید و با چشم او می‌بیند:

نغمه در نغمه درافکنده/ ای مسیح مادر، ای خورشید! / از مهربانی بی‌دریغ جانت/ با چنگ
تمامی‌ناپذیر تو/ سرودها می‌توانم کرد/ غم نان اگر بگذارد/ چشمه‌ساری در دل و/ آبشاری در
کف/ آفتابی در نگاه و/ فرشته‌یی در پیراهن،/ از انسانی که تویی/ قصه‌ها می‌توانم کرد/ غم نان
اگر بگذارد (۵۴۸).

من و تو یکی دهانیم / که با همه آوازش/ به زیباتر سرودی خواناست / من و تو یکی دیدگانیم/
که دنیا را هر دم/ در منظر خویش/ تازه‌تر می‌سازد (۴۵۸).

افزون برآنکه شاملو در شعرهای خود اشاره‌های آشکاری به تأثیر آیدا بر شاعری خود دارد (نک. ۴۶۷ و ۵۱۱)، از دیگر نشانه‌های تأثیر شگرف آیدا در زندگی و شعر شاملو، دو دفتر شعری است که شاعر به نام او سروده و منتشر کرده‌است: *آیدا در آینه* (۱۳۴۳) و *آیدا: درخت و خنجر و خاطره* (۱۳۴۴). این دو دفتر دو ویژگی مهم دارند: نخست اینکه برخی از بهترین عاشقانه‌های شاملو - اگر نگوئیم بیشترین آنها - در این دو مجموعه آمده‌است^(۴) و به گواهی همین دو مجموعه است که باید آیدا را «غزل‌بانوی» شعر شاملو و «شاهبانوی شعر معاصر» خواند، چراکه هیچ زن - همسری به این زیبایی و روشنی، دست‌کم در شعر معاصر فارسی، توصیف نشده‌است. ویژگی دوم این دو دفتر، وجود پربسامد عناصر و مضامین ترسایی در قیاس با دیگر مجموعه‌های شاعر است (نک. جدول بسامدی عناصر و مضامین ترسایی شعر شاملو در ادامه مقاله) و پیداست که یکی از مهم‌ترین بهانه‌های شاعر برای چنین کاری، آیدا و شاید خوش‌آمد اوست. اگر بپذیریم که سابقه ترسایی مادر خاقانی، فقط حس کنجکاوای شاعر یا انگیزش عاطفی او را در رویکرد به مضامین ترسایی موجب گردیده، برای شاملو، این مسأله فراتر از یک انگیزش صرفاً عاطفی و برآوردن حس کنجکاوای بوده‌است. آیدا برای شاملو یادآور شاهد تاریخی عصمت و نجابت و زیبایی، مریم (ع) است، لذا تعبیر چندوجهی «مسیح مادر» را برای او به کار می‌برد (۵۴۸).

از دیگر نشانه‌های تأثیر آیدا بر رویکرد ترسایی شاملو این است که پس از آشنایی شاعر با این زن و چاپ دو مجموعه یادشده، پرداختن به مضامین مسیحی در شعر او تبدیل به یک رویه می‌شود و او چند شعر مهم خود را به‌طور کامل در پیوند با مسیح می‌سراید. گویی زیستن با آیدا و مطالعه و تأمل بیشتر در اناجیل و روایات مسیحی و نگاه جهانی به مقوله شعر و انسان، پنجره تازه‌ای را در ارتباط با عناصر ترسایی به روی شاعر می‌گشاید، چنان که درک و دریافتی تازه و گاه متضاد از این عناصر را در قیاس با شعر دیگر شاعران حاصل می‌کند.

۳-۴- ترجمه شعر آمریکا و اروپا و تأثیرپذیری از آن

از دیگر زمینه‌های انس شاملو با مضامین ترسایی، تأثیری است که او از راه ترجمه و بازسرای برخی شعرهای اروپایی و آمریکایی پذیرفته‌است؛ به‌ویژه شعر شاعرانی که مضامین ترسایی و عناصر مسیحی در شعرشان فراوان است.^(۵) یکی از این شاعران لنگستون هیوز (۱۹۶۷-۱۹۰۲م)، مشهورترین شاعر سیاه‌پوست آمریکایی است که مسیح و مسیحیت در اشعار او جلوه‌ای خاص دارد و شاملو برخی شعرهای او را ترجمه کرده‌است. هیوز در شعری به نام «عیسای مسیح» این‌گونه می‌سراید:

روی جاده مرگت به تو برخورد/ راهی که از اتفاق پیش گرفته بودم/ بی آنکه بدانم/ تو از آن می‌گذری/ ... / حلقه‌ای از خار خلدنه بر سر داشتی و به من نگاه نکردی/ گذشتی و/ بر دوش خود بردی/ همه محنت مرا (شاملو، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۶).

شاملو شعر دیگری از این شاعر را چنین بازسرای کرده‌است:

راس‌راسی مکافاتیه/ اگه مسیح برگرده و پوسش مٹ ما سیاه باشه‌ها! / خدا می‌دونه تو ایالات متحده آمریکا/ چن تا کلیسا هس که اون/ نتونه توشون نماز بخونه،/ چون سیاه‌ها/ هرچی هم که مقدس باشن/ ورودشون به اون کلیساها قدغنه (همان: ۶۸).

فدریکو گارسیا لورکا (۱۹۳۶-۱۸۹۹م) شاعر معروف اسپانیایی و از شاعران محبوب شاملو نیز از کسانی است که بسیاری از آثارش را شاملو نخستین‌بار به فارسی ترجمه کرد. لورکا در «ترانه شرقی» می‌گوید:

سنبله نان است/ مسیح متجسد زنده یا مرده/ ... / تاک پرستش شهوات است که به تابستان منجمد می‌شود/ و کلیسایش تعمیم می‌دهد/ تا از آن شراب مقدس بسازد^(۶) (همان: ۳۳۴).

در شعر «مارگوت بیکل» شاعر معاصر آلمانی نیز که شاملو بعضی از اشعارش را به فارسی برگردانده‌است، عناصر مسیحی حضور دارند (برای نمونه، نک. همان: ۵۳۴-۵۳۳). یادآوری این نکته بی‌راه نیست که سفرهای بسیار شاملو به اروپا و آمریکا، تجربه‌اندوزی‌های شخصی، نشست و برخاست با برخی چهره‌ها و حضور در بعضی محافل ادبی و هنری جهان، خود علّت و انگیزه برخی از این نگاه‌ها و نگرش‌ها تواند بود.

۳-۵- مطالعه عمیق و پیگیر متون نثر دینی به‌ویژه کتاب مقدس

شاملو به گواهی زبان باستان‌گرایانه‌اش، گذشته از مطالعه و آشنایی با برخی تفاسیر کهن قرآن (نظیر تفسیر طبری، کشف الاسرار و قصص قرآن) و آگاهی از اسرائیلیات این کتاب‌ها، با ترجمه فارسی کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و دیگر منابع مربوط به آیین مسیح نیز به‌خوبی آشنایی داشته‌است. این آشنایی به تأثیرپذیری و حتی تقلید شاملو از زبان و فضای ترجمه کتاب مقدس منجر شده‌است که در چند شعر او و از جمله شعر «میلاد» و «انگیزه‌های خاموشی» در مجموعه آید/ در آینه و شعر «و تباهی آغاز یافت» در مجموعه آید/ درخت، خنجر و خاطره و قسمت‌هایی از شعر «postumus» در مجموعه ققنوس در باران کاملاً محسوس است (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۲۵). علاوه بر شعرهای یادشده، شعر «مرد مصلوب» از دفتر مدایح بی‌صله، «مرگ ناصری» از دفتر ققنوس در باران و «لوح» از دفتر آید/ درخت و خنجر و خاطره به‌خوبی نشان می‌دهند که شاملو تا چه میزان از دقایق برخی موضوعات و مسائل آیین مسیحیت - مطابق متون و باورهای پیروان این دین - آگاهی داشته‌است.

۴- گونه‌های استفاده شاملو از مضامین و عناصر ترسایی

نگاه اجتماعی و انتقادی شاملو به جهان و انسان و روابط انسانی روزگار خویش موجب شده‌است تا با استفاده‌های عموماً نمادین از مضامین، عناصر و شخصیت‌های حوزه مسیحیت به بازآفرینی و این‌زمانی کردن آنها بپردازد. پیش از پرداختن به منابع و مستندات تاریخی و دینی این استفاده‌ها، برخی موارد مربوط به سرگذشت مسیح را که در قرآن و انجیل و دیگر منابع مسیحی مورد اختلاف است نشان می‌دهیم تا سمت و سوی استفاده‌های شاملو از این موضوعات روشن‌تر شود.

۴-۱- برخی از موارد اختلاف قرآن با انجیل در خصوص مسیح

استفاده شاملو از مضامین ترسایی بیشتر مطابق روایات و منابع مسیحی است که جز خاقانی، آن هم نه به گستردگی شاملو، درباره هیچ یک از شاعران گذشته فارسی سابقه ندارد. از آنجاکه شاملو به فراوانی مسائل مسیحیت را در شعر خویش به کار برده، بازشناخت موارد اختلافی به لحاظ مسائل اندیشگی و سبک‌شناختی شعر او اهمیت دارد.

- در قرآن تولد عیسی (ع) زیر درخت خرما ذکر شده است (مریم/۲۳)، اما در انجیل در آخور (انجیل لوقا، باب دوم، آیه ۷).

- مطابق قرآن (آل عمران/ ۴۶ و مریم/ ۳۲-۲۹) عیسی (ع) در گهواره سخن می‌گوید و به پاکی مادر و پیامبری خود گواهی می‌دهد، اما این مطلب در انجیل‌های چهارگانه نیامده است.

- در قرآن (آل عمران/ ۴۹) عیسی (ع) به اجازه خدا از گل، تندیس از مرغ می‌سازد و در آن می‌دمد که به اذن پروردگار جان می‌گیرد و پرنده‌ای می‌شود. این مسأله نیز در انجیل‌های چهارگانه ذکر نشده است.

- قرآن (مریم/ ۲۹ و مائده/ ۷۵) تصریح می‌کند که مسیح (ع) پسر مریم (ع) و بنده خدا و پیغمبر اوست که پیش از او نیز پیغمبرانی آمده‌اند، اما در انجیل به الوهیت مسیح هم از طرف مردم (متی، باب ۱۵، آیات ۲۷ و ۲۲)، هم از سوی شاگردان و حواریون (متی، باب ۱۶، آیه ۲۶) و هم از طرف خودش (متی، باب ۲۱، آیه ۳) اقرار می‌شود. به علاوه، مسیح خود را پسر خدا نیز می‌داند (متی، باب ۱۲، آیات ۲۷-۲۵).

- در قرآن (نساء/ ۱۵۸ و ۱۵۷) آمده است که یهود می‌گویند ما مسیح را مصلوب کردیم و او را کشتیم، در صورتی که او را نه کشتند و نه به دار کشیدند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد و مسیح به آسمان [فلک چهارم] برده شد، اما در انجیل‌های چهارگانه به مصلوب شدن مسیح با همه جزئیات تصریح شده است (متی، باب ۲۷، آیه ۳۵؛ مرقس، باب ۱۵، آیه ۲۵؛ لوقا، باب ۲۳، آیه‌های ۴۳-۳۲؛ یوحنا، باب ۱۹، آیه ۱۸).

۴-۲- استفاده شاملو از مضامین و عناصر ترسایی مطابق متون مسیحی

واژگان و ترکیب‌های شاملو در حوزه مضامین ترسایی اساساً با توجه به روایات مسیحی به کار گرفته و یا ساخته شده‌اند، با این حال، برای روشن‌تر شدن بحث، به نقل برخی از شیوه‌های شاملو در استفاده از عناصر ترسایی با ذکر شواهد می‌پردازیم.

۱- سرگذشت مسیح و سوانح و رخداد‌های آن: شاملو به محاکمه، مصلوب شدن، آزردن، شکنجه دادن و بالاخره کشته شدن مسیح با همان کیفیتی که در منابع مسیحی آمده است تصریح دارد (خیانت یهودای اسخریوطی در حق مسیح، خوردن شام آخر او با حواریون در باغ جتسمانی، تاج خار بر سر گذاشتن او، بردنش به تپه جلتا، چارمیخ کردن او، تازیانه زدنش و...). چنان که پیشتر گفتیم، اصل این ماجرا با همه جزئیات فقط در اسرئیلیات آمده است. شعر معروف «مرگ ناصری» (۶۱۲) کامل ترین شاهد در اقتباس شاملو از متون مسیحی در خصوص سرگذشت مسیح است. در موارد دیگری نیز شاملو چنین روایتی از سرگذشت مسیح ارائه کرده است:

و شعر زندگی هر انسان/ که در قافیه سرخ یک خون ببیزد پایان/ مسیح چارمیخ ابدیت یک تاریخ است/ و انسان‌هایی که پا در زنجیر/ به آهنگ طبل خون شان می‌سرایند تاریخ شان را/ حواریون جهان‌گیر یک دین‌اند (۶۵).

- من چنینم، احمقم شاید/ که می‌داند/ که من باید/ سنگ‌های زندانم را به دوش کشم/ به‌سان فرزند مریم که صلیبش را... (۵۰).

- آنک من‌ام آنکه سرگردانی‌هایم را همه/ تا بدین قلّه جل‌جتا/ پیموده‌ام/ آنک من‌ام/ میخ صلیب از کف دستان به دندان برکنده... (۴۴۱).

علاوه بر اینها به رویدادهای دیگری هم می‌توان اشاره کرد که چند بار در *انجیل* آمده است، از جمله شستن پاهای عیسی و حواریون در هنگام خستگی، آنگاه که مریم، خواهر العازر، پاهای مسیح خسته را می‌شوید و با حوله خشک می‌کند و نیز مسیح در شام آخر و در باغ جتسمانی پاهای حواریون را می‌شوید (نک. هاکس، ۱۳۷۷: ذیل مریم)؛ همچنین ورود حواریون به بیت لحم، و... شاملو در قسمتی از شعر «مرثیه» به این دو مطلب اشاره کرده است (۳۹۲). شاملو در شعر «مرگ ناصری» به تیره و تار شدن هوا و گرفتن خورشید پس از مصلوب شدن عیسی اشاره می‌کند:

آسمان کوتاه/ به سنگینی/ بر آواز رو در خاموشی رحم/ فرو افتاد/ سوگوارن به خاک پشته بردند/ و خورشید و ماه/ به هم برآمد (۶۱۴).

در *انجیل متی* نیز آمده است:

و از ساعت ششم تا ساعت نهم تاریکی تمام زمین را فروگرفت (باب ۲۷، آیه ۴۵).

۲- پادشاهی مسیح: شاملو در شعر «مرد مصلوب» از مسیح به صورت «cristo Rey»، پادشاه یهود، مسیح پادشاه و شاه شاهان تعبیر می‌کند (۹۸۱). مطابق کتب عتیق و بنابه باور یهودیان، هر پادشاه موعود یهود، مسیح بوده‌است و باید هنگام نشستن بر تخت، به دست کاهن بزرگ زمان، روغن مالی (مسیح) می‌شد. البته بنی‌اسرائیل عیسی (ع) را آن پادشاه و مسیح موعود ندانستند و به مخالفت با او برخاستند (نک. دهخدا، ۱۳۶۵: ذیل مسیح).

۳- نقل برخی عبارات و جملات/انجیل با همان محتوا و مضمون: بی‌گمان شاملو تحت تأثیر زبان و حال و هوای ترجمه فارسی کتاب مزبور، بلکه از نظر فضا و حال و هوای آن نیز در شعرهای وی می‌بینیم، چنان‌که در بعضی شعرها تأثیر سفر تکوین و در شعرهای عاشقانه او تأثیر غزل‌های سلیمان امری آشکار است» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۲۴). در نمونه زیر که بخشی از شعر «انگیزه‌های خاموشی» در مجموعه لحظه‌ها و همیشه است، در ساختار نثرگونه و تکرار واو و تکرار فعل‌ها و نیز فضای حاکم بر شعر، تقلید از ترجمه فارسی کتاب مقدس کاملاً مشهود است:

پس آدم ابوالبشر به پیرامن خویش نظاره کرد/ و بر زمین عریان نظاره کرد/ و به آفتاب که روی درمی‌پوشید نظاره کرد/ ... و او در چشم‌های جفت خویش نظر کرد/ و در خاموشی در او نظر کرد... (۴۳۲).

در شعر «شبانۀ ۵» از دفتر آید؛ درخت و خنجر و خاطره، برخی جملات متن/انجیل نقل شده‌است. شاملو می‌گوید: «... و فریاد شهیدشان به هنگامی که بر صلیب نادانی خلق مصلوب می‌شدند: / ای پدر، اینان را بیمارز، چرا که خود نمی‌دانستند/ که با خود چه می‌کنند!» (۵۲۵)؛ در انجیل نیز آمده‌است: «عیسی گفت: ای پدر اینها را بیمارز، زیرا که نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا، باب بیست و سه، آیه ۳۴). در چند شعر نیز علاوه بر محتوا و مضمون، شیوه روایت شاملو انجیل‌وار است و این مسأله باید جدا از بحث باستان‌گرایی شعر او بررسی شود، هرچند خود نیز جزء باستان‌گرایی‌های زبانی است؛ از جمله در شعرهای «لوح» از دفتر آید؛ درخت و خنجر و خاطره (۵۷۸)، «مرثیه» از دفتر باغ آینه (۳۹۱)، «مرد مصلوب» از دفتر مدایح بی‌صه (۹۸۱) و «مرگ ناصری» از مجموعه قفنوس در باران (۶۱۲). در اینجا بخشی از «مرد مصلوب» را نقل می‌کنیم که به نظر ما شیوه روایتش متأثر از انجیل است:

... مرد مصلوب/ دیگر بار/ به خود آمد/ جسم‌اش سنگین‌تر از سنگینای زمین/ بر مسمار/ جراحاتِ زندهٔ دستان‌اش آویخته بود: «سَبْکام سبک‌بارم کن ای پدر! به گذار از این گذرگاه درد/ یاری‌ام کن یاری‌ام کن یاری‌ام کن!»، و جاودانگی/ رنجیده‌خاطر و خوار/ در کهکشان بی‌مرز درد او/ به شکایت/ سر به کوه و اقیانوس کوفت نعره‌کشان/ که: «یاوه منال! تو را در خود می‌گوارم من تا من شوی/ جاودانه شدن را به درد جویده شدن تاب آر!...» (۹۲۰).

۴-۳- استفادهٔ شاملو از مضامین و عناصر ترسایی مطابق روایات اسلامی

برداشت و روایت شاملو از عناصر و مضامین ترسایی عموماً مطابق متون و روایات غیراسلامی است و تنها در یک مورد می‌توان گفت او به روایات مفسران مسلمان در خصوص مسیح نظر داشته‌است. او در شعر «غزلی در نتوانستن» همسرش را «مسیح مادر» و سپس «خورشید» خطاب می‌کند که کمابیش یادآور تعبیر قرآن (نساء/ ۱۵۷) و ۱۵۸) و نظر مفسران مسلمان در خصوص رفتن مسیح به آسمان چهارم (خانهٔ خورشید) است، چراکه رابطهٔ مسیح و خورشید طبق روایات اسلامی و تلمیحات سنتی شعر فارسی، رابطهٔ هم‌نشینی و هم‌خانگی است:

نغمه در نغمه درافکنده/ ای مسیح مادر، ای خورشید! از مهربانی بی‌دریغ جانان/ با چنگ تمامی‌ناپذیر تو/ سرودها می‌توانم کرد/ غم نان اگر بگذارد (۵۴۸).

شاملو در شعر «شبانهٔ ۱۰» نیز «خورشید» را به گونه‌ای با آیدا همراه کرده‌است که می‌تواند از راه تبادر و تناسب مطابق منابع اسلامی و تلمیحات شعر فارسی باشد:

ای صبور! ای پرستار! ای مؤمن! پیروزی تو میوهٔ حقیقت توست/ ... ای زنی که صبحانهٔ خورشید در پیراهن توست، پیروزی عشق نصیب تو باد! (۵۴۰ و ۵۴۱).

۴-۴- طرح مسائل فردی و اجتماعی با استفاده از مضامین و عناصر ترسایی

مهم‌ترین کار شاملو در استفاده از مضامین و عناصر ترسایی، ایجاد پیوند میان مسائل زندگی خود و به طور کل انسان و جامعهٔ روزگارش با برخی از رویدادهای زندگی مسیح و حواریون اوست؛ به طوری که «در تمام اشاره‌هایی که شاملو به سرگذشت مسیح و جزئیات مربوط به آن دارد، همیشه تصویرهایی را می‌بینیم که در لباس کنایه و استعاره بیانگر اوضاع و احوال جامعه و نشان‌دهندهٔ بینش ناشی از عکس‌العمل عاطفی وی نسبت به مسائل و پیشامدهای گوناگون اجتماعی است» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۴۶).

شاملو از دل تاریخ و کتاب مقدس و دیگر آثار مرتبط با موضوع، عناصر، مفاهیم و موضوعاتی را بیرون می‌کشد و به‌طور فشرده در بافت و زمینه شعر خود قرار می‌دهد. او می‌کوشد مشترکات و تشابهاتی را میان سرگذشت انسان دردمند و گرفتار معاصر با آنچه بر عیسی و مادر و یاران او رفت بیابد و بدین‌گونه انسان و جامعه امروز را در رنج بردن و دورویی دیدن و رواج تهمت و شایعه و دروغ و مظلوم‌کشی، اگر نه همان انسان و جامعه روزگار عیسی، که ادامه آن معرفی می‌کند. از این رو، اشارات و کاربردهای او، شعر را صرفاً باستان‌گرایانه و کهنه نمی‌کند، بلکه آن را در فضای بین دیروز و امروز و میان عهد عتیق و روزگار شاعر قرار می‌دهد که یک سر موضوعات و مسائلی به گذشته‌های دور متصل است و سر دیگرش به دست شاعر و پیش چشم خواننده شعر اوست. گفتنی است که شاملو در بیان احوال شخصی و فردی خویش نیز ناظر بر احوال جامعه است و «من» شعری او در بیشتر موارد «ما»، یعنی من جمعی است. موارد زیر، نمونه‌هایی از استفاده شاملو از مضامین و عناصر ترسایی برای طرح مسائل فردی و اجتماعی است:

- من چنینم، احمقم شاید/ که می‌داند/ که من باید/ سنگ‌های زندانم را به دوش کشم/ به‌سان فرزند مریم که صلیبش را (۵۰).

- آنک من‌ام که سرگردانی‌هایم را همه/ تا بدین قلّه جل‌جتا پیموده‌ام/ آنک من‌ام/ میخ صلیب از کف دستان به دندان برکنده/ آنک من‌ام/ پا بر صلیب باژگون نهاده/ با قامتی به بلندی فریاد (۴۴۱).

- ما همه عذراهای آبستن‌ایم/ بی‌آنکه پستان‌های‌مان از بهار سنگین مردی گل دهد/ زخم گل میخ‌ها که به تیشه سنگین/ ریشه درد را در جان عیسا‌های اندوهگین‌مان به فریاد آورده است/ در خاطره‌های مادانه ما به چرک اندر نشسته/ و فریاد شهیدشان به هنگامی که بر صلیب نادانی خلق مصلوب می‌شدند/ «ای پدر، اینان را بیمارز/ چرا که خود نمی‌دانند/ که با خود چه می‌کنند!» (۵۲۵).

- آری، مرگ/ انتظاری خوف‌انگیز است/ انتظاری که بی‌رحمانه به طول می‌انجامد/ مسخی است دردناک/ که مسیح را/ شمشیر به کف می‌گذارد/ در کوچه‌های شایعه/ تا به دفاع از عصمت مادر خویش/ برخیزد (۵۳۶).

یکی از گویاترین جلوه‌های استفاده روزآمد شاملو از عناصر و مضامین ترسایی در شعر «لوح» از مجموعه آید؛ درخت و خنجر و خاطره نمود یافته‌است. در این شعر مریم، مسیح، صلیب، یهودا و دیگر عناصر وابسته چنان بازآفرینی و امروزی‌نمود شده‌اند که حتی پیامبری مسیح نیز در هیأت خود شاعر تبلور یافته‌است. شعر «لوح» در چهار بخش سروده

شده است. شاعر به مثابه پیامبری بر خلق ظاهر می شود و به هدایت و روشنگری می پردازد، اما خلق ناآگاه که گویی منتظر معجزه‌های آسمانی اند، هشدارهای این پیامبر - شاعر را نمی پذیرند. در چنین هنگامه‌ای، این پیامبر خودانگیخته بر خلق فریاد می زند و نشانه‌های سیاسی - اجتماعی روزگار خود را (مادران، مبارزان، کلاه خود، تفنگ و...) با نشانه‌های مربوط به مسیح (مریم، عیسی، تاج خار، صلیب و...) برابر می نهد (۵۸۴-۵۷۸).

صحنه محاکمه در شعر بلند و نمایشی «ضیافت» از کتاب دشنه در دیس (۷۵۵) نیز اگرچه یادآور صحنه محاکمه عیسی در متون مسیحی است، اما اشخاص آن کاملاً امروزی شده‌اند. یکی از مفسران، این شباهت‌ها را این گونه بیان می کند: «راوی: شاملوی شاعر و شاهد؛ میزبان: پیلاطس؛ مدعیان: هواداران باراباس؛ دلقک: شنونده و ناظر؛ ولگرد: العازر؛ مدّاح: محکوم‌کننده عیسی؛ زنان عاشق: زنانی که از جلیل برای خدمت نزد عیسی آمده بودند؛ مادران: مریم مقدس و مادر یعقوب؛ جارچی‌ها: پاسبانان حکومت، مردم؛ یک مدعی: باراباس؛ خطیب: پیام، نتیجه قضاوت تاریخ و انسان (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۱۲-۳۱۱). همچنین باغی که در شعر ضیافت نام برده شده است، نماد باغ جتسمانی است، «تندیس فرشتگان» نماد حواریونی است که در وقت مصلوب شدن مسیح تندیس‌هایش نبودند و سخنی نگفتند، و انکار سه مرتبه گزمه‌ها (قدّيسان) توسط ولگرد، یادآور انکار «پطرس» - یکی از حواریون مسیح - است که قبل از خروس خوان (مطابق انجیل) سه بار مسیح را انکار کرد. در پایان این شعر کشته شدن ولگرد با گلوله، ناگهان فضای شعر را امروزی می کند؛ فضایی که ادامه فضای دیروز است.

در شعر «مرثیه» نیز که مرثیه‌ای برای اجتماع است، شاملو از سقوط ارزش‌ها و امیدها، انجیل‌وار حکایت می کند و فریاد از سر بیهودگی و ناامیدی‌اش یادآور واپسین فریادهای مسیح در هنگام مرگ است (نک. شاملو، ۱۳۸۴: ۳۹۳ و انجیل متی، باب ۲۷، آیه‌های ۴۶-۵۰).

۵- بسامد واژگان و ترکیب‌های ترسایی در شعر شاملو

فراوانی واژگان و ترکیب‌های خاص هر موضوع در شعر یک شاعر، به لحاظ سطح فکری شعر و عناصر اندیشگی شاعر از اهمیت بسیاری برخوردار است و نشانگر توجه ویژه او به آن موضوع خاص و میزان بالای اهمیت آن برای شاعر است.

در شعر شاملو نیز واژگان و ترکیبات مربوط به آیین مسیحیت و نیز واژگانی که به نوعی با سرگذشت عیسی (ع) در پیوندند، به فراوانی و گونه‌گونی به کار رفته‌است. شاملو حدود ۲۰ نام و لقب را تنها برای عیسی (ع) در شعر خویش به کار برده‌است که براساس فراوانی کاربرد عبارت‌اند از: عیسی (۶)، مسیح (۴)، ناصری (۳)، شبیح (۳)، مرد مصلوب (۲)، سایه مصلوب (۲)، آب (۲)، این (۲)، مصلوب (۲)، Cristo Rey (۲)، فرزند مریم، مسیحا، خداوند بیمار، شاه شاهان، مسیح مصلوب، شیخ مصلوب، فرزند و مادر توأمان، فرزند، پادشاه یهود. علاوه بر این نام‌ها، واژگان و ترکیبات ترسایی دیگری نیز در شعر شاملو به کار رفته‌است. او برخی از این واژگان را مستقیماً از کتاب مقدس گرفته‌است و برخی هم به صورت غیرمستقیم در پیوند با سرگذشت عیسی (ع) و ماجرای مصلوب شدن او (طبق روایات مسیحی) و با توجه به زمینه متن و جوانب واقعه، در حوزه عناصر و مضامین ترسایی قرار می‌گیرند. چنین کاربردهایی از تلمیح و مضمون‌سازی تلمیحی بسیار ارزشمندتر و در عین حال، دشوارتر از استخدام واژگان معدود و خاص این حوزه از معرفت است که از هر شاعر متوسطی هم برمی‌آید.

نکته دیگر، ترکیب‌سازی‌های شاملوست. او با آمیختن دو یا چند واژه که یکی از آنها از حوزه مسیحیت است، واژه‌ای با معنایی تازه و درعین حال، ترکیبی-تلمیحی می‌سازد که در نوع خود بی‌سابقه است و با این کار تصاویری تازه را در شعر ایجاد می‌کند. ترکیب‌هایی چون رشته چرم‌باف، کوچه‌های شایعه، انبانچه نرفت، حواریون جهان‌گیر، شبیح مصلوب، تپه‌های قتلگاه، سر خارآذین، نگاه یهودا، عذرهای آبستن، مسیح مادر، عیسا‌های اندوهگین، صلیب نادانی خلق، کاج سرفراز صلیب و... گروه دیگری از واژگان و ترکیبات ترسایی در شعر شاملو به ترتیب فراوانی از این قرار است:

صلیب (۱۵)، جاودانگی (۱۱)، درد (۱۰) [هر دو در پیوند با مصلوب شدن مسیح، مریم (۴)، پدر (۴)، باغ جتسمانی (۴)، ابدیت (۴) [برگرفته از کتاب مقدس]، باکرگان (۳)، کاج (۳)، تاج خار (۳)، جلجتا (۳)، مرد تلخ [یهودا] (۳)، سوگواران (۳) [در پیوند با تماشایان مرگ عیسی]، مادر (۲)، چارمیخ (۲)، آبستن (۲)، آفاق (۲) [برگرفته از کتاب مقدس]، نعره (۲) [برگرفته از کتاب مقدس و در پیوند با فریادهای مسیح از شدت درد بر صلیب]، بیت لحم (۲)، دنباله چوبین بار (۲)، خاک پشته (۲)، مسیح مادر، عذرا، آفریدگان، میخ‌کوب، گل میخ‌ها، میخ صلیب، جریحه، تازیانه، رشته چرم‌باف، مسمار، پاپوش‌ها، پاپیج‌ها، ریسمان، جراحات [بازده واژه اخیر

همه در پیوند با شکنجه و مصلوب شدن مسیح^۱، سلطنت ابدی، حواریون، العازر، یهودا، مرد تلخ، مرد سرگشته (یهودا)، رسالت، لامتناهی، کوچه‌های شایعه، سلطنت مقدّر، ابد الابد [همه برگرفته از کتاب مقدس و در پیوند با ماجرای مسیح^۲، ریس بافان، ریس فروش یهودی، مرد یهودی، انبانچه نقره، انبانچه سی پاره نقره [همه اشاره به یهودای اسخریوطی که در ازای لودادن مسیح، سی پاره نقره گرفت]، مرد اسخریوطی، کلیسا، تعمید، مسیحیت، شراب مقدّس، کسوف، اورشلیم، دروازه بیت لحم، باکرگان اورشلیم، فدیّه [همه برگرفته از کتاب مقدّس]، حلقه تسلیم (اشاره به حلقه دار یهودا)، کاج سرفراز صلیب، روح القدس، سر خار آذین، شب، پیلات، قاضیان، دیوان عدالت، نان، شورها، ضیافت، شام آخر [همه در پیوند با شام آخر مسیح و حواریون]، برابری، عروج به آسمان، عذراهای آبستن، عیسی‌های اندوهگین، صلیب نادانی خلق، صفر غوغای تماشائیان، صلیب باژگون، شب مصلوب، حواریون جهان گیر یک دین، زخم گل‌میخ‌ها.

ساختن و به‌کارگیری این حجم از ترکیبات و واژگان تا حد زیادی می‌تواند بستر فرهنگی و تاریخی شعر را عمق و گسترش دهد و در صور خیال آن مؤثر باشد، به‌ویژه آنگاه که این واژگان و ترکیبات به گونه‌ای روزآمد و فراتر از تلمیح و اشاره معمولی، با مسائل شخصی، اجتماعی و سیاسی روزگار پیوند خورده باشد. اینک کاربرد برخی از ترکیباتِ برساخته شاملو را که یک سرشان در پیوند با موضوعات ترسایی است، در متن شعر او نشان می‌دهیم:

- و شعر زندگی هر انسان / مسیح چارمیخ ابدیت یک تاریخ است / و انسان‌هایی که پا در زنجیر / به آهنگ طبل خون‌شان می‌سرایند تاریخ‌شان را / حواریون جهان‌گیر یک دین‌اند (۵۳۶).
- زخم گل‌میخ‌ها که به تیشه سنگین / ریشه درد را در جان عیساها / اندوهگین مان به فریاد آورده‌است / در خاطره‌های مادرانه ما به چرک اندر نشسته / و فریاد شهیدشان / به هنگامی که بر صلیب نادانی خلق مصلوب می‌شدند؛ / «ای پدر / ایشان را بیمارزا» (۵۲۵).
- آری مرگ / انتظاری خوف‌انگیز است / که مسیح را / شمشیر به کف می‌گذارد / در کوچه‌های شایعه تا به دفاع از عصمت مادر خویش / برخیزد (۵۳۶).
- انسان خود را دیدم / که بر صلیب روح نیمه‌اش به چارمیخ آویخته‌است (۲۷۸).
- و هر نگاه / ای بسا که نگاه یهودایی (۵۸۳).

۶- فراوانی مضامین و عناصر ترسایی در شعر شاملو

در این بخش، فراوانی موضوعات و مسائل مرتبط با آیین مسیح در شعر شاملو به تفکیک هر مجموعه شعر او در یک جدول نشان داده شده‌است که به زبان آمار و از منظری کلی، موضوع مقاله حاضر را تبیین می‌کند؛ در ادامه نیز داده‌های جدول تحلیل شده‌است.

جدول فراوانی مضامین و عناصر ترسایی در شعر شاملو به تفکیک هر مجموعه^(۷)

نام مجموعه	اشاره‌های مضمونی و ضمنی مکرر به موضوع	شماره صفحه	شعر کامل	شماره صفحه
آهن‌ها و احساس	-	-	-	-
۲۳	-	-	-	-
قطعنامه	۲	۶۵ و ۵۰	-	-
هوای تازه	۴	۲۸۲ و ۲۷۸، ۱۶۱، ۱۸۳	-	-
باغ آینه	-	-	۱	۳۹۱
لحظه‌ها و همیشه	۱	۴۴۱	-	-
آیدا در آینه	۱	۳۵۳	-	-
آیدا: درخت و خنجر و خاطره	۴	۵۴۸ و ۵۲۸، ۵۲۳، ۵۳۴	۱	۵۸۲
ابراهیم در آتش	-	-	-	-
ققنوس در باران	۱	-	۱	۶۱۲
مرثیه‌های خاک	۲	۶۶۱	-	-
شکفتن در مه	۱	۶۹۸	-	-
دشنه در دیس	-	-	۱	۷۵۵
ترانه‌های کوچک غربت	-	-	-	-
مدایح بی‌صله	۲	۹۵۰ و ۹۴۵	۱	۹۱۸
در آستانه	-	-	-	-
حدیث بی‌قراری ماهان	-	-	-	-

در تحلیل داده‌های جدول فوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- از هفده مجموعه شعر چاپ‌شده شاملو، تنها شش دفتر او فاقد مضامین و عناصر ترسایی است.
- ۲- بیشترین بسامد مسائل و مضامین ترسایی در سه دفتر *هوای تازه*، *آیدا*؛ *درخت و خنجر و خاطره*، و *مدایح بی‌صله* دیده می‌شود.
- ۳- رویکرد شاملو به موضوعات و عناصر ترسایی از دفتر *آیدا*؛ *درخت و خنجر و خاطره* (یعنی پس از آشنایی و ازدواج با آیدا) بیشتر می‌شود.
- ۴- باید به این نکته مهم توجه داشت که کاربردهای شاملو محدود به استخدام یک واژه نیست، او اغلب در سراسر یک شعر و یا به‌دفعات در بخش‌هایی از شعر، حجم

وسیعی از واژگان و ترکیبات و عناصر مفهومی مربوط به مسیحیت را به کار برده است. گاهی نیز پیرنگ و چهارچوب اصلی یک شعر او را موضوع و مضمونی از حوزه مسیحیت تشکیل داده است، بی آنکه واژگان ترسایی در آن فراوانی داشته باشد.

۵- براساس داده‌های این جدول، شاملو پنج شعر کامل با موضوع مسیح و آیین او سروده است؛ به علاوه، در بخش‌هایی از هجده شعر مهم دیگر نیز به این موضوع پرداخته است.

۷- نتیجه‌گیری

استفاده از اشاره‌ها و نشانه‌های تاریخی، اساطیری، دینی و... در شعر، هم آن را نیازمند توضیح و تبیین می‌سازد و هم موجب غنا و بالندگی آن و جلب مخاطب می‌شود.

در شعر معاصر فارسی توجه به عناصر و مضامین مسیحی به‌ویژه در کار شاعرانی چون اخوان ثالث، فریدون مشیری و احمد شاملو بیش از دیگران است و شاملو شاخص‌ترین شاعری است که ضمن استفاده گسترده از عناصر و مضامین ترسایی در شعر، به دلائل مختلف و انگیزش‌های گوناگون به این کار اقدام کرده است. از جمله این دلائل و انگیزش‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد: مطالعه پی‌گیر و عمیق متون نثر تاریخی، اسطوره‌ای و دینی؛ مطالعه شعر برخی شاعران جهان مسیحیت که شعرشان در بسیاری موارد با مضامین مسیحی آمیختگی دارد؛ نگاه متکثر فرا ایرانی - فرا اسلامی به انسان و جهان؛ آشنایی و ازدواج با آیدا سرکیسیان در سال‌های نخست دهه چهل؛ و جنبه‌های اساطیری آیین مسیح.

استفاده‌های شاملو از عناصر و مضامین ترسایی، عموماً مطابق با متون و روایات مسیحی است، تا آنجا که درک و دریافت درست برخی شعرهای او در گرو مراجعه به منابع مسیحی - و از جمله کتاب مقدس - و آگاهی از تلقی پیروان آیین مسیحیت از این موضوعات و مسائل است. از دیگر سو، شاملو همواره به قصد کاربردهای نمادین انتقادی و اجتماعی به بازتولید و امروزینه کردن عناصر و مضامین ترسایی دست زده و از شیوه سنتی کاربرد تلمیح و اشارات تاریخی و دینی فاصله گرفته است.

حاصل رویکرد شاملو به عناصر و مضامین ترسایی، اختصاص پنج شعر کامل و بخش‌های عمده‌ای از هجده شعر دیگر او به این موضوعات بوده و در مجموع ۲۵ شعر

مهم و بلند او، همچون مرد مصلوب، مرگ ناصری، لوح، مرثیه و ضیافت، در حوزه موضوعات آیین مسیحیت سروده شده است. توجه شاملو به عناصر و موضوعات ترسایبی هم در پویایی صور خیال شعر او و بالا بردن ظرفیت نمایشی آن مؤثر بوده است و هم در گسترش و ژرفا بخشیدن به ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اسطوره‌ای شعرش. همچنین شاملو در ساخت برخی واژگان و ترکیبات تلمیحی (سطح لغوی) و نیز در آهنگ کلام و در ساختار جملات (سطح نحوی) این دسته از شعرهایش، از برخی متون و موضوعات آیین مسیحیت تأثیر گرفته است.

پی‌نوشت

۱- مثلاً خاقانی با استفاده از منابع ترسایبی و مطابق نظر آنها، گویی مصلوب شدن مسیح را - دست کم در شعر - پذیرفته است:

بالا برآر نفس چلیپا پرست از آنک
عیسی توست نفس و صلیب است شکل لا
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۶)

۲- برای نمونه نک. اخوان ثالث، ۱۳۵۳: ۴۷، ۲۵۳۶: ۹۸ و ۱۳۷۹: ۴۸؛ شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۸۹-۲۸۶؛ و مشیری، ۱۳۸۴: ۶۹۳-۶۹۱.

۳- همهٔ ارجاعات شعر شاملو، به شاملو، ۱۳۸۴ (مجموعه آثار، دفتر یکم) است که به ذکر شماره صفحات بسنده می‌شود.

۴- این عاشقانه‌ها به ترتیب در *آیدا*، *در آینه* و *آیدا؛ درخت و خنجر و خاطره*، عبارت‌اند از: *من و تو درخت و بارون*، *سرود آشنایی*، *سرود سپاس و پرستش*، *سرود پنجم*، *آیدا* در *آینه*، *میعاد*، *چهار «شبانۀ» نخست* از *دفتر آیدا؛ درخت و خنجر و خاطره* و *غزلی* در *نتوانستن*.

۵- همکار ارجمند و مترجم توانا و بسیار دان، استاد صالح حسینی، در نشست دوستانه بر این باور بودند که شاملو خصوصاً در شعر «مرد مصلوب» - که سرشار از عناصر مسیحی است - از شعر سرزمین بی حاصل تی. اس. الیوت متأثر است. این شعر نیز از مضامین مسیحی و به طور اعم از *کتاب مقّاس بهره فراوانی* برده است.

۶- اشاره به برکت دادن نان توسط عیسی (ع): «و چون ایشان [حواریون] غذا می‌خوردند، عیسی نان را گرفته برکت داده و پاره کرده به شاگردان داد و گفت: بخورید، این است بدن من...» (*انجیل متی*، باب ۲۶، آیه ۲۶). این رخداد اکنون نیز کمابیش در

کلیساهای کاتولیک دیده می‌شود، بدین صورت که پدر روحانی تکه‌نانی را در شراب گذاشته و تبرکاً در دهان عابدان می‌گذارد.

۷- مجموعه‌های شعر شاملو براساس مجموعه کامل اشعار او (شاملو، ۱۳۸۴) بررسی شده که نخستین دفتر شاملو با نام «آهنگ‌های فراموش‌شده» در آن نیامده‌است.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس (ترجمه قدیم)، شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید.

آریان، قمر (۱۳۶۹)، *چهره مسیح در ادبیات فارسی*، تهران: معین.

اخوان ثالث، مهدی (۱۳۵۳)، *از این اوستا*، تهران: مروارید.

_____ (۲۵۳۶)، *زمستان*، تهران: مروارید.

_____ (۱۳۷۹)، *در حیات کوچک پاییز در زندان*، تهران: زمستان.

پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴)، *سفر در مه: تأملی در شعر شاملو*، تهران: زمستان و چشم‌وچراغ.

حقوقی، محمد (۱۳۸۰)، *شعر زمان ما؛ ۱: احمد شاملو*، تهران: نگاه.

خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۶)، «نمودهای اساطیری انبیا و آیین‌گذاران در شعر شاملو»، *مجله پیک نور*، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۳۲.

خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۲۷۳)، *دیوان خاقانی*، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوآر.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۵)، *لغت‌نامه*، تهران: موسسه لغت‌نامه.

شاملو، احمد (۱۳۸۱)، «سخنرانی احمد شاملو» آدیسه بامداد، به کوشش پرهام شهرجردی، تهران: کاروان، صص ۴۰۴-۳۷۹.

_____ (۱۳۸۳)، *مجموعه آثار*، دفتر دوم: *همچون کوجه‌ئی بی‌نتها* (گزینه‌ای از اشعار شاعران بزرگ جهان)، تهران: نگاه.

_____ (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار*، دفتر یکم: *شعرا*، تهران: نگاه.

شغیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *آینه‌ای برای صداها*، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس (۱۳۶۶)، *فرهنگ تلمیحات*، تهران: فردوس.

صالحی، سیدعلی (۱۳۸۱)، «نقد شعر ضیافت»، *احمد شاملو، شاعر شبانه‌ها و عاشقانه‌ها*، به کوشش بهروز صاحب‌اختیاری و حمیدرضا باقرزاده، تهران: هیرمند، صص ۳۱۵-۳۱۰.

محمدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *فرهنگ تلمیحات شعر معاصر*، تهران: میترا.

مشیری، فریدون (۱۳۸۴)، *بازتاب نفس صبحدمان*، تهران: چشمه.

هاکس، مستر جیمز (۱۳۷۷)، *قاموس کتاب مقدس (ترجمه فارسی)*، تهران: اساطیر.